

الله الرحمن الرحيم

درس یازدهم

رشد و پیشرفت اقتصادی



۱- چه چیزهایی باعث سرخوردگی و ناامیدی می‌شود؟

ارزاده‌های مستحکم وقتی با امیدهای ریشه‌دار همراه می‌شوند، هر ناممکنی را ممکن می‌سازند. موضوعات ناراحت‌کننده‌ای که هر روز از آسمان و زمین بر سر تولیدکنندگان مستقل می‌ریخت، رفته‌رفته داشت جای خود را به گشایش و خوشی برای آقای محمدی می‌داد. ورود شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده آقای محمدی از فکر جوانان و همت جهادیشان، شب‌های سیاه رکود را به روزهای روشن رونق تولید تبدیل کرده بود؛ اما داستان بقیه تولیدکنندگان کمی متفاوت بود. هنوز عده زیادی از تولیدکنندگان در آستانه ورشکستگی و یا تعطیلی بودند و این اخبار برای خانواده محمدی خوشایند نبود، چرا که شرایط مشابه را تازه تجربه کرده بودند و طعم تلخ آن را تازه از کامشان بیرون کرده بودند.

صبح یک روز جمعه، بعد از صبحانه، آقای محمدی داشت گروه‌های مجازی را در تلفن همراهش بررسی می‌کرد که ناخودآگاه با صدای بلند آهی کشید.

ستایش: وای نه! بابا ما دیگه تحملشو نداریم. اگه برای کارگاه اتفاقی افتاده لطفاً چیزی نگوین!
پدر: نه باباجون! ما که به لطف خدا اوضاعمون داره خوب می‌شه. البته کمک شما دوتا هم بی‌تأثیر نبوده.

مادر: حالا چی شده که ناراحت شدین؟

پدر: یکی از رفقا که باهم شروع کردیم، پیام زده توی گروه که کارگاهشو با همه تجهیزاتهش می‌فروشه. معلومه که کم آورده.

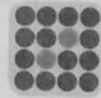
ستایش: خب شما نمی‌تونین کمکش کنین؟

مادر: مگه حوزه کاریش با شما یکیه؟

پدر: نه! اون توی کار تولید پلاستیکه.
 امیرعلی: خب خودش باید یادبگیره. بعدشم به قول قدیمیا هر کسی باید کلاه خودشو بچسبه.
 ما چی کار به بقیه داریم!
 پدر: راستش منم مثل تو فکر می کردم؛ می گفتم هر کسی باید به فکر خودش باشه؛ ولی الان
 بعد از این شرایط حسم عوض شده.
 امیرعلی: یعنی الان دیگه این حرفو قبول نداری؟ هر کسی کار خودشو درست انجام بده، همه
 درست می شن دیگه.

پدر: واقعاً نمی دونم چی بگم. خودم هنوز به جمع بندی نرسیدم؛ ولی حسم دیگه مثل قبل نیست.
 مادر: آخه اگر هر کسی به فکر منافع فردی خودش باشه، قصه مون می شه قصه الان کشور.
 طرف پولاشو برمی داره و باهاش سکه و دلار و ماشین می خره تا خودش بعداً گرون تر بفروشه.
 خودش سود می کنه اما دودش توی چشم بقیه می ره.
 پدر: مامان راست می گه. منم به خاطر همین چیزای گم حسم نسبت به این موضوع عوض شده.

گفت و گو در کلاس



- ۱- شما نظر امیرعلی را بیشتر می پسندید یا نظر مادرش را؟ مادرش
- ۲- به نظر شما افزایش رفاه یک شخص می تواند لزوماً رشد جامعه را در پی داشته باشد؟ خیر
- ۳- چه رابطه‌ای میان رشد اقتصادی هر فرد و هر شرکت، با پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟
- ۴- تفاوت رشد اقتصادی با پیشرفت اقتصادی چیست؟ هر کدام با چه شاخص‌هایی اندازه‌گیری

اگر رشد اقتصادی هر فرد
 یا هر شرکت یا افزایش
 قدرت تولیدی و مصرفی
 همراه با کسب توانایی
 که این افزایش تولید و
 از طرفی هم به کمک مقادیر
 بزرگ و باعث افزایش آن می‌شود.

نقشه راه

- در این درس می‌خواهیم درباره رشد و پیشرفت اقتصادی گفت و گو کنیم. در پایان این درس خواهیم توانست:
- نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) را محاسبه کنیم.
- وضعیت توزیع درآمد افراد یک جامعه را براساس سهم دهک‌ها محاسبه کنیم.
- درباره شاخص توسعه انسانی توضیح دهیم.

۲- افزایش قدرت تولید کشور در هر دوره چه چیزی است؟
۳- کشورهای بیرون معمولاً چه چیزهایی دارند؟

۲- در اقتصاد کشورهای ایستاده سرمایه‌داری

طرح مسئله

شما ممکن است رشد خود را در افزایش سطح آگاهی و تحصیلات خود بدانید و دوست شما رشد خودش را در ایجاد و گسترش یک کسب و کار درآمدزا می‌بیند. در اقتصاد معمولاً کشورهایی را که از قدرت تولیدی بالاتر و درآمد بیشتری برخوردار باشند، پیشرفته‌تر می‌دانند. افزایش قدرت تولید کشور در هر دوره چه چیزی است؟ تولید شرکت‌های تولیدی و سازوکارهای مناسب برای ایجاد کسب و کار و دادوستدهای مناسب است. کشورهای پیشرفته معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند و درآمدها به صورت عادلانه‌تری توزیع شده است و تعداد بیکاران این کشورها نیز کم است. رشد و پیشرفت، نقطه مقابل رکود است. یک کشور پیشرفته در برابر شوک‌های اقتصادی، قدرت مقاومت دارد؛ از ثبات نسبی قیمت‌ها و بازارها برخوردار است؛ می‌تواند در شرایط بحرانی نیازهای اولیه خودش را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کند. معمولاً کشورهای پیشرفته از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند و روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم این کشورها برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است. کشورهای پیشرفته در سطح منطقه و جهان تأثیرگذارند. در یک کلمه، کشورهای پیشرفته، کشورهای قدرتمندی محسوب می‌شوند و بقیه روی آنها حساب باز می‌کنند. پیشرفت اقتصادی کشور دارای مؤلفه‌هایی است که می‌توان مهم‌ترین آنها را رشد اقتصادی، شاخص‌های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی) و شاخص توزیع عادلانه درآمد دانست.

۵- مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی کشور چیست؟

۶- چه زمانی می‌توانیم بگوییم در جامعه‌ای رشد صورت گرفته است؟

اگر در جامعه‌ای میزان واقعی تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد می‌گوییم در آن جامعه رشد صورت گرفته است. (رشد به معنای افزایش تولید است؛ بنابراین مفهومی کمی است) (کشورها معمولاً با سرمایه‌گذاری بیشتر یا به کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می‌دهند و این امر به درآمد بیشتر می‌انجامد. به همین دلیل گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور را با افزایش درآمد آن معادل در نظر می‌گیرند).
۷- رشد به چه معناست؟
۸- سواد معمولاً با چه شیوه‌ای افزایش می‌یابد؟
۹- خودآزمایی می‌تواند چه نوعی باشد؟
یک منشأ رشد اقتصادی افزایش در منابع است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می‌یابد. سرمایه‌های فیزیکی کشور می‌تواند با سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و مغازه‌ها افزایش یابد. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می‌یابد. با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می‌تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند).

۹- به نظر شما کدام کشور در حال حاضر بیشترین رشد را دارد؟

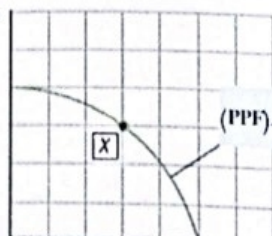


بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید

از الگوی مرز امکانات تولید که در درس چهارم فراگرفتید می توانیم برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی استفاده کنیم. به نمودار سمت چپ از شکل زیر نگاه کنید. محور افقی مقدار غذای تولید شده در کشور را نشان می دهد و محور عمودی همه مقادیر از کالاهای دیگر؛ یعنی کالاها و خدمات به جز غذا را که در کشور تولید شده است، نشان می دهد. تصمیم گیری بین واحد «غذا» و یک واحد «از کالاهای دیگر» واقعاً دشوار است؛ اما به این فکر کنید که واحد «غذا» همه انواع غذاها و واحد «کالاهای دیگر» همه انواع کالاها و خدمات را در بر می گیرد.

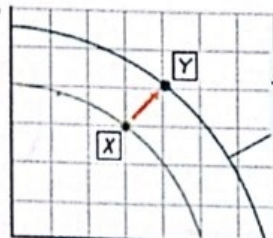


مقدار بقیه کالاها



مقدار غذا

مقدار بقیه کالاها



منحنی مرز امکانات تولید بعد از رشد اقتصادی

مقدار غذا



رشد اقتصادی و منحنی مرز امکانات تولید

رشد اقتصادی، منحنی را به سمت راست - بالا، منتقل می کند که نشان دهنده امکان بیشتر تولید در کشور است.

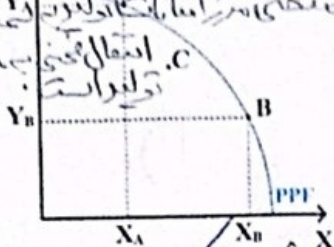
فرض کنید کشوری ابتدا نقطه X را انتخاب می کند. روشن است که مردم مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاها می خواهند تا سلامتی و رفاه بیشتری داشته باشند. اگر با صرفه جویی، سرمایه گذاری بیشتری انجام دهند، با گذشت زمان، ظرفیت تولیدی آنها توسعه می یابد و مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می شود. نمودار سمت راست شکل بالا مرز امکانات قبلی و مرز امکانات جدید را نشان می دهد. رشد اقتصادی به کشور امکان می دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.

رشد اقتصادی یک هدف مشترک است زیرا کشور را قادر می سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته های شهروندان خود بردارد. وقتی که اقتصاد رشد می کند، کشور قادر است از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند. با این حال هر کشور برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند؛ باید منابعی را که می توانست برای ساختن کالاهای مصرفی در زمان حال استفاده شود، برای ساختن انواع سرمایه ها و توسعه روش های تولید بهتر برای آینده صرف کند همان طور که شما هم گاهی از بعضی خریدهای لذت بخش صرف نظر می کنید تا پولتان را برای انتخاب های دیگری در آینده که زندگی شما را بهتر می کند، پس انداز کنید. ۱۱

۱۱- چرا رشد اقتصادی یک هدف مشترک است؟

در مقایسه با آمارات تولید داخلی و خدمات و مالیات بر ارزش افزوده، بهای تمام شده آماره‌های داخلی منتهی آمارات تولید داخلی و سایر
 روش‌های آماره تولید داخلی و فقط در باره مالیات بر ارزش افزوده است.

فعالیت فردی در کلاس می‌آید. نقاط A و B نقاط با هم به بالا رفتن با این منابع وجود داشته و با ترکیب آن در دست
 منتهی به این می‌شود که نقطه D انحصار بر روی یک امتداد به صورت انتقال
 در درس چهارم با مفهوم کارایی آشنا شدیم و در این درس به معنی از اما این کارایی به صورت انتقال
 درباره رشد سخن گفتیم. تفاوت بین دستیابی به کارایی و رشد
 اقتصادی را با کمک نمودار توضیح دهید. بالای معنی



۱۲ - رشد چشمی، معادلات و معادلات برای آن از سری‌های زمانی در دست

چگونه رشد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم؟ تولید ناخالص داخلی

همان طور که گفتیم، رشد به معنای افزایش تولید است. بنابراین اقتصاددانان برای اندازه‌گیری رشد، به میزان رشد
 تولیدات یک کشور در طول سال می‌نگرند. تولید ناخالص داخلی یک کشور (GDP) ارزش پولی همه کالاها
 و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است. با فرض اینکه هر تولید داخلی،
 درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است. می‌توان درآمد داخلی را نیز معادل تولید داخلی دانست.
 درآمد داخلی مجموعه درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می‌آید. با تقسیم درآمد داخلی به
 جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید. درآمد سرانه چه نوع دیگری است؟ ۱۴ - با هر سال تولید
 برای فهم بهتر تولید داخلی، بر پنج کلیدواژه مهم این تعریف تمرکز می‌کنیم: «ارزش پولی»، «همه کالاها و
 خدمات»، «نهایی»، «درون مرزهای کشور» و «در یک سال». این پنج کلیدواژه را به ترتیب به تولید داخلی
 ارزش پولی برای اندازه‌گیری تولید کشور، نیاز به یک واحد مشترک داریم که بتوانیم هر چیزی را که تولید
 شده است، اندازه‌گیری کنیم. از هر واحد اندازه‌گیری مثل کیلوگرم هم می‌شود استفاده کرد؛ اما شاید نتیجه
 مفید نباشد؛ چراکه قطعاً یک کیلوگرم چپس سیبزمینی با یک کیلوگرم چپس رایانه قابل جمع شدن
 نیست! در عوض وقتی همه را به ارزش پولی که از بازار به دست آمده برگردانیم و آنها را جمع کنیم، منطقی‌تر
 می‌شود. در این صورت صرف نظر از ابعاد و اندازه و وزن، هر کالا با ارزشی که در بازار داشته در محاسبه مقدار
 تولید لحاظ خواهد شد. ۱۷ - معادله ارزش پولی چیست؟ با مثال توضیح دهید.
 کالا و خدمات (تولید فقط محدود به تولید کالاهایی مانند توپ و لبنیات نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات
 لوله‌کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی هم تولید است و باید در محاسبه ما لحاظ شود.)
 تولید نهایی (برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در نظر می‌گیریم، نه محصولات
 واسطه‌ای را؛ چراکه کالاها و خدمات واسطه‌ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده‌اند و اگر آنها را هم جداگانه
 محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد می‌شویم. مثال پنبه و لباس را (در درس مالیات بر ارزش افزوده)، به
 یاد آورید. برای محاسبه ارزش لباس‌های تولید شده، لازم نیست ارزش محصولات نظیر پنبه و نخ و پارچه را نیز
 جداگانه محاسبه کنیم؛ بلکه با محاسبه ارزش کل لباس‌های تولید شده، خود به خود ارزش کالاهای واسطه‌ای
 که در آن به کار رفته است نیز محاسبه می‌شود.)

۱۳ - تولید داخلی
 داخلی
 چه چیزی
 است؟
 درآمد داخلی
 معادل تولید
 داخلی
 است

Gross Domestic Product

۱۸ - معادله ارزش پولی چیست؟
 ۱۹ - برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی چه باید کردیم؟ به چه دلیل - مثال بزنید

- ۲۰- تولید ناخالص داخلی چه سوره اندازه می‌گیرد؟ و از چه چیزی صرفه‌نمایی دارد؟
- ۲۱- تولید ناخالص داخلی ایران، جمعاً از چه تولیداتی است؟
- ۲۲- تولید ناخالص داخلی در تئوری تنها شامل چه کالاها می‌باشد؟

داخل مرزهای یک کشور (تولید ناخالص داخلی، تولیداتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، اندازه می‌گیرد؛ صرف نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است) از این رو، (تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت‌ها و افرادی که در ایران فعالیت می‌کنند، آنها را تولید کرده‌اند؛ حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌ها باشد.)

در یک سال (تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است) این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی‌شود (یعنی چیزهایی که در یک سال ساخته می‌شود و در سال بعد فروخته می‌شود) ۲۳- این چه سوره داخلی را می‌داند و پرسش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی‌شود یعنی چه؟

۲۴- مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند - توضیح

به دلیل دشواری‌های محاسباتی برخی از اقلام تولیدی در اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شوند:

اول: کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می‌گیرد یا خدماتی که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای آنها رد و بدل نمی‌گردد، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب‌اند!

دوم: خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی‌شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند.

سوم: تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت‌ها تلقی می‌شود.

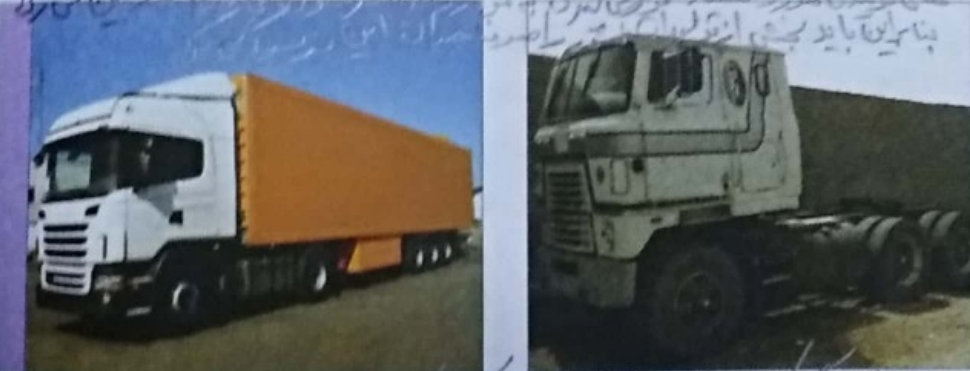
۲۴

فعالیت خارج از کلاس

تولید خالص و ناخالص!

شاید برای شما این پرسش به وجود آمده باشد که واژه ناخالص در عبارت تولید ناخالص داخلی، چیست و تفاوتش با خالص در کجاست؟ در این باره تحقیق کنید. آیا اینها هم استهلاک است؟

تفاوت بین تولید ناخالص و خالص در این است که تولید ناخالص شامل تمام تولیداتی است که در مرزهای یک کشور انجام می‌گیرد، در حالی که تولید خالص فقط شامل تولیداتی است که توسط شهروندان آن کشور انجام می‌گیرد. بنابراین باید بخش از تولید ناخالص را که توسط شهروندان دیگر انجام شده است، از آن منفرجه کرد تا به تولید خالص برسیم.



بنابراین اگر در تولید ناخالص تمام را اندازه‌گیری کرده باشیم، آن را با تولید ناخالص خالص می‌توانیم از ارزش‌های استهلاک از تولیدات ناخالص کسر کنیم، آن را تولید خالص می‌نامیم.

برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی چیست؟
 مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی چیست؟
 تولید ناخالص داخلی را چگونه می سنجیم؟

مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی (نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان است) اما چون تولید ناخالص داخلی (که واحد پولی اندازه گیری می شود) با یک مشکل مواجه هستیم (قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند به طور مداوم در حال تغییر است. برای مثال، فرض کنید یک میلیون خودرو در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو ۵۰ میلیون تومان باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

$$1 \text{ میلیون} \times 50 \text{ میلیون تومان} = 50 \text{ هزار میلیارد تومان}$$

حال اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد، برآورد ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای تغییر تولید نادرست است؛ چرا که در واقع، همان یک میلیون خودرو تولید شده است و تنها قیمت ها تغییر کرده است! (۲۷)
 اقتصاددانان برای حل این مشکل راه حلی دارند؛ قیمت های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می شود، ثابت فرض شوند. (۲۸)
 ۲۸ - اقتصاددانان برای حل مشکل قیمت کالاها و خدماتی با استفاده از قیمت های پایه در سال پایه استفاده می کنند. (۲۸)

محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی اسمی، مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال محاسبه می کنیم. همچنین اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، می توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم. (۲۹)
 ۲۹ - برای محاسبه تولید ناخالص داخلی چه کنیم؟

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$

مثالینم (۳۰) - اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل چه میزان رشد داشته است، می توانیم از رابطه زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنیم: (۳۰)
 ۳۰ - تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت های زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنید:

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (P)	مقدار (Q)	قیمت (P)	مقدار (Q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

محاسبه GDP اسمی در هر سال

افزایش

۱٪
۷.۳۷/۵
۷.۳۰/۹

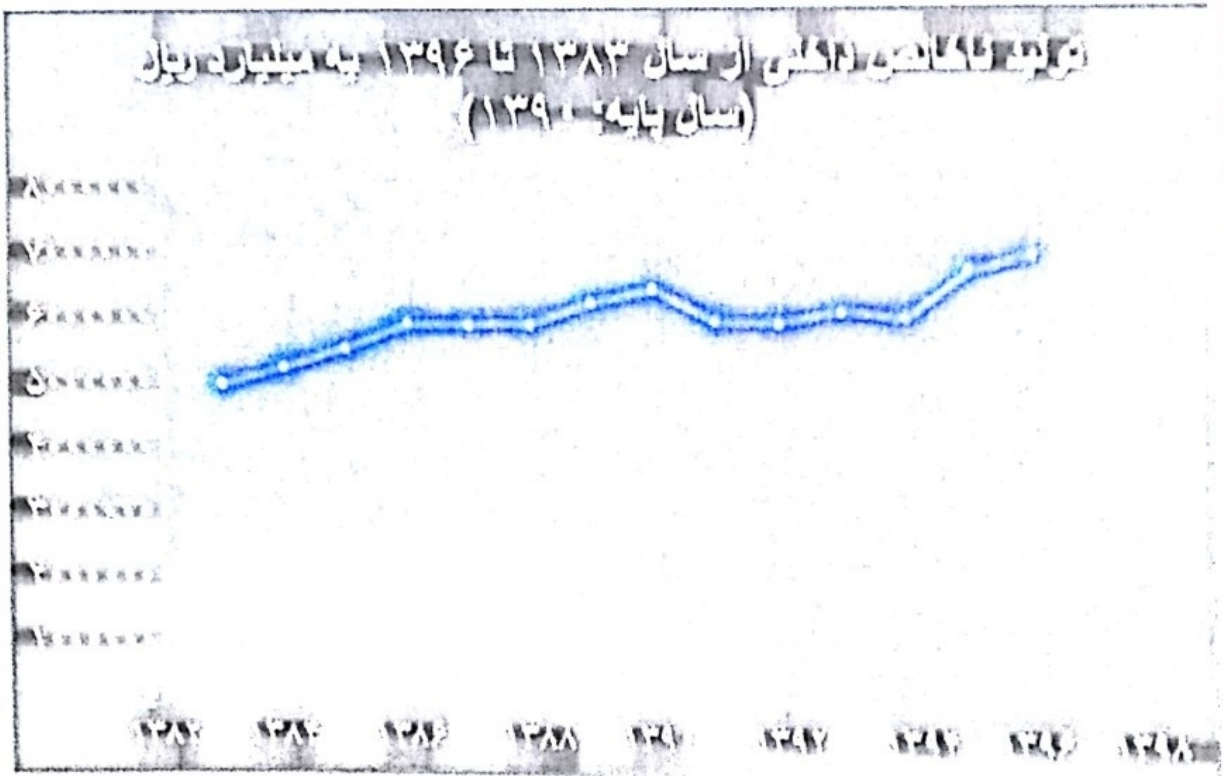
۱۳۹۶	تومان	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۱۳۹۶
۱۳۹۷	تومان	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۱۱۳۹۷
۱۳۹۸	تومان	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۱۳۹۸

محاسبه GDP واقعی در هر سال با استفاده از سال ۱۳۹۶ به عنوان سال پایه

۱۴٪
۷.۲۰
۷.۱۴/۷

۱۳۹۶	تومان	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۱۳۹۶
۱۳۹۷	تومان	۱۱۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۱۳۹۷
۱۳۹۸	تومان	۱۲۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۱۳۹۸

۳۱ - معمولاً اندر بارهای رشد تولید ناخالص داخلی (برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می شود) موردار زیر تولید ناخالص داخلی کشور ما را از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ نشان می دهد.



اعتقاد دارم در سرردک این‌ها هم در نظر اندازیم که صرفاً اقتصادی به ما هم می‌گردد؟
 ۲۱- شاخص‌های جهانی داری رشد آبرو بالایی هستند و بر مقدار نابرابری در آوری اندک‌تره و این هم مناسبه؟

شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی

اقتصاددانان به ما می‌گویند که شاخص‌های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد. پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی آن، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ابعاد دیگری نیز دارد. فرض کنید کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی دارد. این به معنای آن است که کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است (اما آیا می‌توان نتیجه گرفت که این کشور در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم نیز پیشرفته است؟ اقتصاددانان معمولاً در این مورد از مثال کیک استفاده می‌کنند. آیا بزرگ‌تر شدن یک کیک، به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟) بسیاری از کشورهای که دارای رشد درآمد بالایی هستند، نظیر چین و آمریکا، گرفتار نابرابری درآمدی اند؛ بدین معنی که بخش بزرگی از ثروت تولید شده، تنها به گروه‌های محدودی از جامعه تعلق دارد و اکثریت جامعه از درآمد کمتری برخوردارند. برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد از شاخص‌های گوناگونی استفاده می‌شود که ما به یکی از آنها اشاره می‌کنیم.

شاخص دهک‌ها یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد در هر چیزی است؟

یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد (شاخص «دهک» است) از شاخص دهک‌ها در برخی گزارش‌های اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می‌شود. برای محاسبه این شاخص، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. در طبقه‌بندی این ده گروه، سطح درآمد از کمترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، گروه اول، که ده درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کمترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر بیشترین درصد درآمد ملی را دارند. آمارهای

مربوط به سهم این دهک‌ها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهند. جدول روبه‌رو بیانگر چگونگی توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱ است.

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

سهم دهک اول	۳ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷ درصد
سهم دهک ششم	۸ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

۲۵- از شاخص دهک‌ها چه استعاره‌ای می‌شود؟

۲۶- برای محاسبه این شاخص‌ها روی (شاخص‌دهک‌ها) چه کنیم؟

منبع: مرکز آمار ایران

فعالیت فردی در کلاس

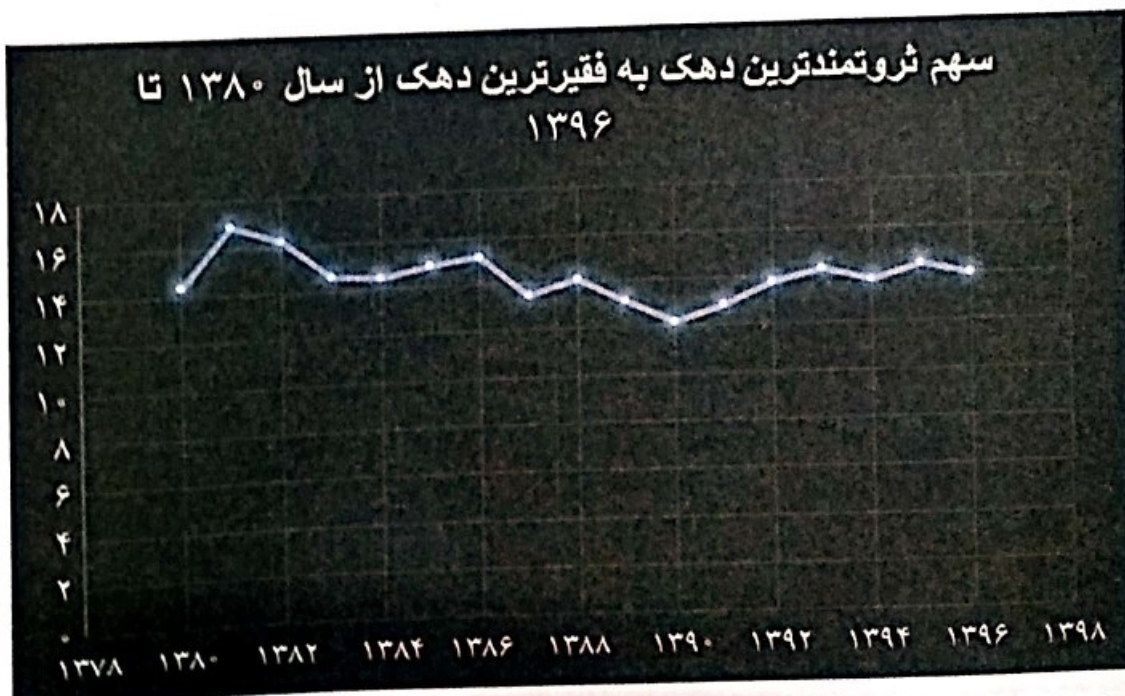


در کشوری با ده میلیون نفر جمعیت، درآمد ملی معادل ۵۰۰۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر فرض کنیم که توزیع درآمد در این کشور دقیقاً مطابق با درصدهای مشخص شده در جدول صفحه قبل است، سهم هر دهک از درآمد ملی را تعیین کنید.

وضعیت توزیع درآمد (بامحاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد به کار می رود) هر چه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب تر است. در جدول صفحه قبل، سهم دهک دهم از درآمد ملی حدود ده برابر سهم دهک اول است.

گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک ها، قابل ثبت نیست. به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه ای را محاسبه می کنند. در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است. ۳۸ - سهم حالی هزینه به ازای هر دهک در ایران است.

نمودار زیر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰، ده درصد ثروتمندان، چهارده برابر ده درصد فقرا درآمد داشته اند. این رقم برای سال ۱۳۹۰ به ۱۲ برابر و در سال ۱۳۹۶، مجدداً به ۱۴ برابر رسیده است. آیا می توانید وضعیت نابرابری درآمدی را با توجه به این نمودار، در سال های مختلف تحلیل کنید؟



۳۱- شاخص توسعه انسانی (HDI) است. مؤلفه‌هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است. علاوه بر این مؤلفه‌هایی نظیر نرخ باروری، نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص‌های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی‌های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شود.

۳۲- اگر معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می‌آوریم (شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیبی از این شاخص‌هاست و از این رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می‌دهد. در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ و جزو کشورهای با توسعه یافتگی بالا به‌شمار می‌رود).

۳۳- در گزارش توسعه انسانی ایران در رتبه ۶۵ قرار دارد.

یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای اندازه‌گیری پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای گوناگون، شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) است. مؤلفه‌هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است. علاوه بر این مؤلفه‌هایی نظیر نرخ باروری، نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص‌های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی‌های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شود.

اگر معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می‌آوریم (شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیبی از این شاخص‌هاست و از این رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می‌دهد. در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ و جزو کشورهای با توسعه یافتگی بالا به‌شمار می‌رود).

۳۲- در گزارش توسعه انسانی ایران در رتبه ۶۵ قرار دارد.

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال‌های تحصیلی مورد انتظار میانگین سال‌های تحصیلی درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) رتبه HDI					
رتبه HDI	ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
توسعه انسانی بسیار بالا					
۱	۰٫۹۵۴	۲۰۱۸	۱۸٫۱	۱۲٫۶	۶۸٫۰۵۶
۲	۰٫۹۴۶	۲۰۱۸	۱۶٫۲	۱۳٫۴	۵۹٫۳۷۵
۳	۰٫۹۴۲	۲۰۱۸	۱۸٫۸	۱۲٫۵	۵۵٫۶۶۰
۴	۰٫۹۳۹	۲۰۱۸	۱۷٫۱	۱۴٫۱	۴۶٫۹۴۶
۵	۰٫۹۳۹	۲۰۱۸	۱۶٫۵	۱۲٫۰	۶۰٫۲۲۱

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال‌های تحصیلی مورد انتظار میانگین سال‌های تحصیلی درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) رتبه HDI					
رتبه HDI	ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
توسعه انسانی بالا					
۶۳	۰٫۷۹۹	۲۰۱۸	۱۴٫۸	۱۱٫۲	۱۵٫۲۱۸
۶۳	۰٫۷۹۹	۲۰۱۸	۱۳٫۰	۱۱٫۰	۲۸٫۳۹۷
۶۵	۰٫۷۹۷	۲۰۱۸	۱۴٫۷	۱۰٫۰	۱۸٫۱۶۶
۶۶	۰٫۷۹۶	۲۰۱۸	۱۵٫۰	۰۹٫۳	۲۲٫۷۲۳

منبع: گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۹

۱- Human Development Index

تا به حال از رشد سرطانی چیزی شنیده‌اید؟ سلول‌های سرطانی سلول‌هایی هستند که رشد و تکثیر آنها، غیرمتعادل است و از این رو توازن و تعادل بدن را درهم می‌ریزند. اگر جامعه را به بدن انسان تشبیه کنیم، سلامت اجتماعی در گرو پیشرفت هماهنگ و متوازن همه اجزای آن است. همان‌طور که اگر برخی از اجزای بدن، ناهماهنگ با کل بدن رشد کند، ترکیبی ناهنجار و کاریکاتوری از انسان به وجود می‌آید. رشد ناهماهنگ اجزای یک جامعه نیز، رشد آن جامعه را کاریکاتوری و غیرعادلانه خواهد ساخت.

جامعه‌ای را تصور کنید که در آن امکانات و منابع آن، مثل خونی که در بدن در حال گردش است، صرفاً به افراد محدودی تعلق گیرد. به این ترتیب توزیع ثروت در کل جامعه نامتعادل می‌شود و افراد محدودی، بیشترین سهم از ثروت را نصیب خود خواهند ساخت. رشد ثروت در چنین جامعه‌ای که با اختلاف و شکاف طبقاتی روبه‌روست، ناعادلانه و کاریکاتوری است. در



این جوامع که فیلسوفان و دانشمندان ما، از جمله فارابی، آن را جامعه فاسق می‌نامند، سرمایه‌داران و سوداگرانی که فقط به فکر منافع شخصی خودشان هستند، حکومت می‌کنند و با ایجاد انواع انحصارات، فعالیت‌های غیرمولد و زدوبندهای نامشروع و زیاده‌خواهی‌ها، نمی‌گذارند جامعه رشد و پیشرفت متوازن را تجربه کند. در نظام سرمایه‌داری جهانی، زیر عنوان آزادی اقتصادی، شاهد انواع بی‌عدالتی‌ها و اختلافات طبقاتی هستیم و این نشانه رشد سرطانی و نامتوازن است.

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

هرچند شاخص‌های توسعه انسانی در کنار شاخص‌های رشد تولید، تصویر مناسب‌تری از پیشرفت یک کشور ارائه می‌کند؛ اما آیا به نظر شما این تصویر از پیشرفت کامل است؟ آیا شاخص‌های دیگری مانند مبارزه با فساد به‌بود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط‌زیستی و پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی را نباید در ارزیابی از پیشرفت‌مان در نظر بگیریم؟ آیا به نظر شما تفاوت‌های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها در تعیین شاخص‌های پیشرفت دخالتی ندارد؟ آیا ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با جوامع اروپایی، آمریکایی یا چینی یکسان است؟ اگر یکسان نیست، این تنوع ارزش‌ها و آداب و رسوم چگونه در شاخص‌های پیشرفت یک کشور خود را نشان می‌دهد؟ آیا عدالت اقتصادی و اجتماعی به همان اندازه برای ما اهمیت دارد که برای کشورهای سرمایه‌داری غربی؟ آیا نگاه ما به زندگی انسان‌ها با نگاه ژاپنی‌ها به زندگی انسان‌ها هیچ تفاوتی ندارد؟ رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.

۴۲- به سوال‌های هنگام ترنس کردن کتاب‌های توسعه انسانی در کنار شاخص‌های رشد تولید به چه مواردی می‌آید؟

بسیار دیر، های گذشته، کمتر مسائل های بین المللی از شاخص های توسعه و همچنین نهاد های
 بلکه مثلاً با هدف توسعه اقتصادی به صورت آبرو اند، برای هم چنین اقتصاد کرده اند؟

۵-۴ به چه دلیل در کشور ما با وجود آبرو اند، تلاش های در طول سده های گذشته، از شاخص های توسعه و همچنین نهاد های اما نهاد های
 برخی از کشورها و سازمان های بین المللی در طول سده های گذشته، از شاخص های توسعه و همچنین نهاد های اما نهاد های
 که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده اند، برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده اند. (هنر
 در کشور ما هر چند تلاش هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است) اما متأسفانه همچنان
 نهاد های سرمایه داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند. این
 نگرانی ها باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند.
 الگوی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم ما
 قرار دهد. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت است برای دستیابی به یک الگوی
 پیشرفت بومی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.

برای تفکر و تمرین

$$\frac{GDP_{سال قبل}}{GDP_{سال اول}} = \frac{1000000000}{1000000000} = 1$$

$$\frac{GDP_{سال اول}}{GDP_{سال قبل}} = \frac{1000000000}{1000000000} = 1$$

- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سوالات زیر پاسخ دهید:
 - تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟
 - اگر سهم هر کدام از شرکت ها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد، ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.
- کدام یک از موارد زیر صرفاً نشان دهنده رشد اقتصادی است و کدام یک، نشان دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است؟

- افزایش درآمد هر یک از کارکنان و کارگران شرکت ها ← رشد
- نزدیک شدن سهم دهک اول از کل درآمد کشور به سهم دهک دهم ← پیرنت
- افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولید شده ← رشد
- افزایش میانگین سال های تحصیلی کارمندان شرکت ها ← پیرنت

بازای منم

تحلیل کنید

چه تفاوتی بین رشد و توسعه و پیشرفت وجود دارد و برای هر کدام چه شاخص هایی وجود دارد؟
 از نظر شما چه رابطه ای میان پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار و پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟ پیرنت اقتصادی یک کسب و کار به معنای تولید با کیفیت محصول و قیمت مناسب آن است بی توان تغییر اثرات معضای معرمان گردید و دنبال آن استقال پیرنت بار شد اثراتیک می باید، در بیجه درآمد اخلاقی اثراتیک و بطع رفاه جامعه نیز با لامی رود، بجز در عقای کسب و کار، نو علم و ستاری، عدالت اقتصادی و مساجرم پیرنت اقتصادی خواهد شد.